

تحلیل سیستمی نقش عوامل جغرافیایی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران

نرگس حجی‌پناه^۱، سیده‌های زرقانی^۲، امیدعلی خوارزمی^۳

- ۱- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
- ۲- دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
- ۳- استادیار مدیریت شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دریافت: 93/8/19 پذیرش: 94/4/7

چکیده

سازمان‌دهی سیاسی فضا در ایران در مرحله نخست از ویژگی‌های جغرافیایی اثر می‌پذیرد. در این مقاله نقش عوامل جغرافیایی در شکل‌گیری دولت محلی با تأکید بر ایران بررسی شده است. به‌دلیل نقش مؤثر تفکر سیستمی در بررسی و تحلیل موضوعات و مسائل حوزه مدیریت، جغرافیا و علوم سیاسی، این پژوهش با روش تفکر سیستمی انجام شده است. روش تحقیق پژوهش، توصیفی - تحلیلی و استنباطی است. در گردآوری اطلاعات میدانی از هر دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. در بخش کمی، چهل نفر از صاحب‌نظران حوزه دولت محلی به‌عنوان جامعه آماری مورد استناد قرار گرفتند و در قسمت کیفی هفت نفر از صاحب‌نظران حوزه دولت محلی به‌روش گلوله‌برفی برای مصاحبه انتخاب شدند. جهت ارزیابی میزان تأثیر بعد جغرافیایی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران از آزمون t تک‌نمونه و برای اولویت‌بندی میزان تأثیر هر یک از عوامل مربوط به بعد جغرافیایی از آزمون فریدمن استفاده شده است. به‌منظور رسم دیاگرام‌های علی و معلولی براساس تفکر سیستمی از نرم‌افزار Vensim استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد میزان تأثیر عوامل جغرافیایی برای شکل‌گیری دولت محلی در ایران متوسط به بالاست و وضعیت موجود این بعد برای شکل‌گیری دولت محلی در ایران مطلوب است.

واژه‌های کلیدی: ایران، عوامل جغرافیایی، تفکر سیستمی، دولت محلی.

1- مقدمه

موضوع مشارکت مردم در امور محلی از یک دهه قبل تاکنون، به مثابه عاملی اساسی مورد توجه و اهمیت بوده است. در این باره توزیع فضایی قدرت در قالب دولت‌های محلی می‌تواند همانند وسیله‌ای مطمئن برای شرکت مردم در تصمیم‌گیری ایفای نقش کند (قالیباف، 1387: 81). رشد روزافزون نهادهای محلی - مردمی و ضرورت وجود آن‌ها در اداره امور عمومی کشور و توجه فزاینده به محلی شدن اداره امور عمومی در دهه پایانی قرن بیستم و دهه آغازین قرن بیست و یکم، دولت محلی را به عنوان یکی از روش‌های دستیابی به دموکراسی و توسعه پایدار مطرح کرده است (ویسی، 1392: 1-2). عوامل مختلفی در شکل‌گیری دولت محلی دخیل هستند و تأثیر و تاثر آن‌ها سیستمی پیچیده را به وجود می‌آورد که نتیجه آن سر برآوردن‌های نظریات موافق و مخالف مختلف است. بنابراین، نیاز است که این عوامل به صورت سیستمی و با توجه به تأثیر و تاثر آن‌ها جهت تحلیلی عمیق‌تر در نظر گرفته شود که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است. همان‌طور که مقیمی (1390: 107-108) بیان می‌کند، برای شناخت مؤثر دولت‌های محلی بایست آن را به عنوان سیستم تجزیه و تحلیل کرد؛ همچنین وی مطرح می‌کند که دولت‌های محلی به عنوان سیستم، از عناصر مختلفی تشکیل شده‌اند که هم از محیط خود اثر می‌پذیرند و هم بر آن اثر می‌گذارند. بر پایه مطالعات، عوامل مؤثر مربوط به شکل‌گیری دولت محلی را می‌توان در پنج بعد تقسیم کرد: ابعاد اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، قانونی - حقوقی، اقتصادی - مالی و جغرافیایی (همان‌جا)؛ بنابراین، زمینه‌های شکل‌گیری دولت محلی از زیرساخت‌های کلی مانند عوامل جغرافیایی، سیاسی - قانونی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی تشکیل شده است. برای ایجاد هر کدام از این زیرساخت‌ها نیز مجموعه‌ای از عوامل مختلف وجود دارد که بررسی همه‌جانبه آن‌ها الزامی است. با عنایت به مطالب پیش‌گفته و با توجه به اینکه ایران یکی از کشورهای مستعد در زمینه بحث تمرکززدایی و استقرار دولت محلی است، هدف این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر در شکل‌گیری دولت محلی در ایران براساس تفکر سیستمی و در قالب بعد جغرافیایی و در نهایت مدل‌سازی عوامل مؤثر جغرافیایی در شکل‌گیری دولت محلی در قالب تفکر سیستمی با کمک نرم‌افزار Vensim است.

2- پیشینه تحقیق

در زمینه دولت محلی و سازمان‌دهی سیاسی فضا مطالعاتی انجام شده که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها خلاصه‌وار اشاره می‌شود.

مقیم (1390) در بخش دوم کتاب *اداره امور حکومت‌های محلی (مدیریت شوراهای شهرداری‌ها)* درباره رویکرد سیستمی به حکومت‌های محلی بحث کرده است. وی بر آن است که حکومت محلی شامل پنج بعد، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی - مالی، جغرافیایی، حقوقی - قانونی و سیاسی است. به باور او، برای شناخت و تحلیل موضوعات مدیریتی به‌ویژه مدیریت حکومت‌های محلی بدون شک، نگرش سیستمی بهترین و کارآمدترین رویکرد است.

پورموسوی، کوهشاهی و رهنماقره (1387) در مقاله «سازمان‌دهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران» با روش توصیفی - تحلیلی به شناخت حدود و پراکندگی نواحی فرهنگی ایران پرداخته‌اند. نتیجه تحقیق آن‌ها حاکی از این است که عدم انطباق نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران تحت تأثیر ملاحظات اداری، دفاعی - امنیتی، رقابت‌های محلی و خدمات‌رسانی بوده که از یک سو، سبب کنترل واگرایی، تقویت هم‌بستگی ملی و حفظ یکپارچگی سرزمینی است و از سوی دیگر، با توسعه نامتوازن ناحیه‌ای، و قطبی شدن قدرت و ثروت، نارضایتی از نظام حاکم را در پی داشته است. همچنین پیشنهاد می‌کنند که برای استفاده بهتر از تنوع فرهنگی، توسعه و پیشرفت متوازن همه نقاط کشور و حداکثر بهره‌گیری از توان‌های انسانی، باید به سازمان‌دهی مجدد فضا سیاسی با نگرش سیستمی توجه شود.

اعظمی و دبیری (1390) با روش تحلیلی - توصیفی نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران را تحلیل و بر این موضوع تأکید کرده‌اند که در تاریخ کشور ایران عناصری مانند وسعت جغرافیایی کشور، ویژگی‌های طبیعی سرزمین، پراکندگی و تنوع قومی - نژادی و مذهبی، مسائل نظامی و امنیتی بر الگوی تقسیم‌بندی فضای کشور اثر گذار بوده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که تقسیمات کشوری و سازمان‌دهی سیاسی فضا در ایران داری سابقه طولانی است.

ویسی (1392) در کتاب *درآمدی بر دولت محلی، سیاست‌های توزیع فضایی قدرت، محلی‌گرایی و ارتباط آن با جهانی شدن*، عوامل مؤثر بر عملکرد دولت محلی، رویکردهای نو

در اداره امور کشور و دولت محلی در ایران را بررسی کرده است. رشد روزافزون نهادهای محلی مردمی و ضرورت آنها در اداره امور عمومی کشور نویسنده را برآن داشته تا در زمینه محلی‌گرایی و دولت محلی تحقیق کند. ویسی برخی از دلایل گسترش دولت محلی در جهان را بیان می‌کند که شامل خدمات‌رسانی کارآمد، افزایش پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری و غیره است. وی در بحث دولت محلی در ایران، فرهنگ سیاسی ایران را یکی از عوامل اثرگذار بر بحث شکل‌گیری دولت محلی تلقی می‌کند.

مطالعات دیگری نیز در زمینه ضرورت شکل‌گیری دولت محلی در ایران انجام شده؛ از جمله: بررسی تحلیلی سیر تکوین نهادی محلی ایران در دوران معاصر و ارائه الگوی مناسب (قالیباف، 1380)، «بررسی نظام جغرافیایی - سیاسی ناحیه‌ای و امکان‌سنجی آن در ایران» (میرحیدر و ذکی، 1381)، «بررسی حقوق شوراها و اسلامی شهر در پرتو اصول تمرکز زدایی» (حبیب‌نژاد، 1388)، «تمرکززدایی و توسعه پایدار در ایران (اطاعت و موسوی، 1390)، حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران (قالیباف، 1392)، «تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت شهروندان در حکومت محلی» (قالیباف و شوشتری، 1392).

3- مبانی نظری

3-1- دولت محلی

فضای درون کشور یکسان نیست و هر مکانی با مکان دیگر از لحاظ ماهیت توسعه و فرصت‌های اقتصادی، تفاوت‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی دارد. همچنین، از حیث تنوع در سلیقه‌ها و آرمان‌های سیاسی جمعیت و نگرش آنها به حکومت و نیز از لحاظ نابرابری در میزانی که دولت می‌تواند اراده‌اش را بر قلمرو متبوع خود تحمیل کند، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. افرادی که در چارچوب فضای سرزمینی کشورها زندگی می‌کنند، دارای تمایزات بسیاری هستند که این تمایزات بسته به مکانی که افراد در آن زندگی می‌کنند، متنوع‌اند (پورموسوی، کوهشاهی و رهنماقره، 1387: 78). دولت محلی به لحاظ مفهومی، سازه‌ای سیاسی - اداری است که نتیجه فرایند توزیع فضایی قدرت سیاسی است و به وسیله حکومت مرکزی پدید می‌آید؛ به عبارتی، فرایندی است که موجب می‌شود تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت درباره امور محلی در چارچوب سیاست‌های کلی حکومت مرکزی به نهادها و سازمان‌های

مردمی نظیر (شوراها، انجمن‌ها، نهادهای مدنی و نهادهای داوری و ریش‌سفیدان) و همچنین مقامات و نهادهای حکومتی محلی نظیر (فرمانداری، بخشداری و ادارات دولتی) واگذار شود (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، 1388: 36). علاوه بر این، دولت محلی بخشی از دولت است که در سطح بسیار نزدیکی به شهروندان قرار دارد و به آن‌ها اجازه می‌دهد در سطوح بالاتر مشارکت مستقیم داشته باشند (3: Gamper & Palermo, 2011) و فرصت‌های زیادی را برای آنان به‌منظور مشارکت در تنظیم و ایجاد سیاست‌های محلی فراهم می‌کند (5: Mamedova et al., 2006).

3-2- نظریات پیدایش دولت محلی

نظریات پیدایش دولت شامل نظریه طبیعی یا فطری، نظریه الهی، نظریه قرارداد اجتماعی، نظریه تکامل، نظریه غلبه و نظریه اقتصادی است. بر این مبنای، به بررسی و توزیع قوای حکومتی، سیستم‌ها و نظام‌های متمرکز، الگوهای خودگردانی محلی زیست‌محیطی، فنودالیت، مارکسیستی، کارکردی، سوسیالیستی، دموکراتیک، ساختاری یا ارگانیک پرداخته شده است. نظریات اجماع (کثرت‌گرا) و برخورد (نخبه‌گرا و مارکسیست) دو دیدگاه اصلی هستند که به بررسی نحوه ارتباط و تعامل میان گروه‌های ذی‌نفع، ارزش‌ها، ابزار اجتماعی مرتبط با رسانه، آموزش، کنش و واکنش‌های حکومت‌های مرکزی و محلی و نگرش دولت‌ها براساس منافع طبقات مختلف به‌لحاظ عقاید و معیارهای عمومی می‌پردازد. براساس نظریه اجماع، جامعه باثبات و فعال برپایه مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استوار است. در این جامعه، برخورد‌های شاخص دائمی و مصالحه‌ناپذیر وجود ندارد. نهادهای اجتماعی به‌سوی حفظ ثبات اجتماعی و تقویت اجماع در ارزش‌ها هدایت می‌شوند. بر مبنای نظریه برخورد، ثبات اجتماعی بلندمدت فریبی بیش نیست و جامعه به‌صورت پیوسته یا اساسی و به‌دلیل اختلاف و رقابت بر سر ارزش‌های بنیادی در صحنه سیاسی دچار تحول می‌شود. سیاست‌ها در بلندمدت تابع قاعده بازی حاصل جمع صفر است.

3-3- بررسی عوامل مؤثر در تحقق دولت محلی

تحقق دولت محلی کاری نیست که یک‌شبه صورت پذیرد؛ ضمن اینکه نسخه‌برداری از تجربه موفق کشورهای دیگر به‌هیچ‌وجه توصیه می‌شود؛ زیرا در این زمینه هیچ «الگوی

از پیش ساخته‌ای» وجود ندارد و هر کشوری باید براساس مقتضیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و جمعیت‌شناختی خود، ابعاد دولت محلی را سامان دهد و بر کارآیی مدیریت در درون دولت محلی بیفزاید. دولت‌های محلی باید براساس الگوی استراتژیک منحصربه‌فرد خودشان شکل گیرند و متکامل شوند (مقیم، 1390: 119). در این بخش به مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های مؤثر در تحقق دولت محلی که اندیشمندان در قالب پژوهش‌های مختلف آن‌ها را بررسیده‌اند، به اختصار اشاره می‌شود؛ نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد در استقرار و میزان موفقیت دولت و نهادهای محلی عوامل و زمینه‌های مختلف محیطی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نقش دارند. این عوامل متناسب با ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی و سیاسی کشور مورد نظر نقش و تأثیر متفاوتی دارند؛ به عبارت دقیق‌تر، در استقرار و تحقق دولت محلی در قالب سازمان‌ها و نهادهای سطح محلی، هرکدام از این عوامل وزن و جایگاه متفاوتی دارند.

جدول 1 مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های مؤثر در استقرار و شکل‌گیری دولت محلی

منبع	عوامل اصلی
اعظمی و دبیری، 1390؛ میرحیدر و ذکی، 1381	عوامل جغرافیایی
معلمی، 1389؛ سامتی و همکاران، 1386	عوامل اقتصادی - مالی
قالیباف و شوشتری، 1392	عوامل سیاسی - قانونی
پورموسوی و همکاران، 1387؛ میرحیدر و ذکی، 1381	عوامل اجتماعی - فرهنگی

3-3-1- عوامل جغرافیایی

3-3-1-1- میزان وسعت

وسعت زیاد کشور باعث تعدد واحدهای جغرافیایی، تنوع طبیعی و انسانی در داخل کشور، و تنوع معیشتی، اجتماعی، قومی و نژادی و زبانی می‌شود که خود این تفاوت‌ها و تنوعات در پهنه جغرافیایی کشور، زمینه ایجاد واحدهای جغرافیایی و در نتیجه تقسیم‌بندی فضای سرزمین را فراهم می‌آورد. یکی از عوامل بسیار مؤثر در چگونگی تقسیم‌بندی فضای سرزمین، ویژگی‌های طبیعی کشور و جبر محیط

به شرایط ارتفاعی و موقعیت جغرافیایی در ایران، از تنوع زیادی برخوردار است. اقلیم ایران شرایط زیستی متفاوتی را در نواحی مختلف ایران به وجود آورده است که ناگزیر بر تمام جنبه‌های سازمان اجتماعی ایران و روان‌شناسی اجتماعی مردم تأثیر بسزایی می‌گذارد که این عامل نقش بی‌بدیلی را در محلی‌گرایی و ناحیه‌گرایی ایفا می‌کند (میرحیدر و ذکی، 1381: 54).

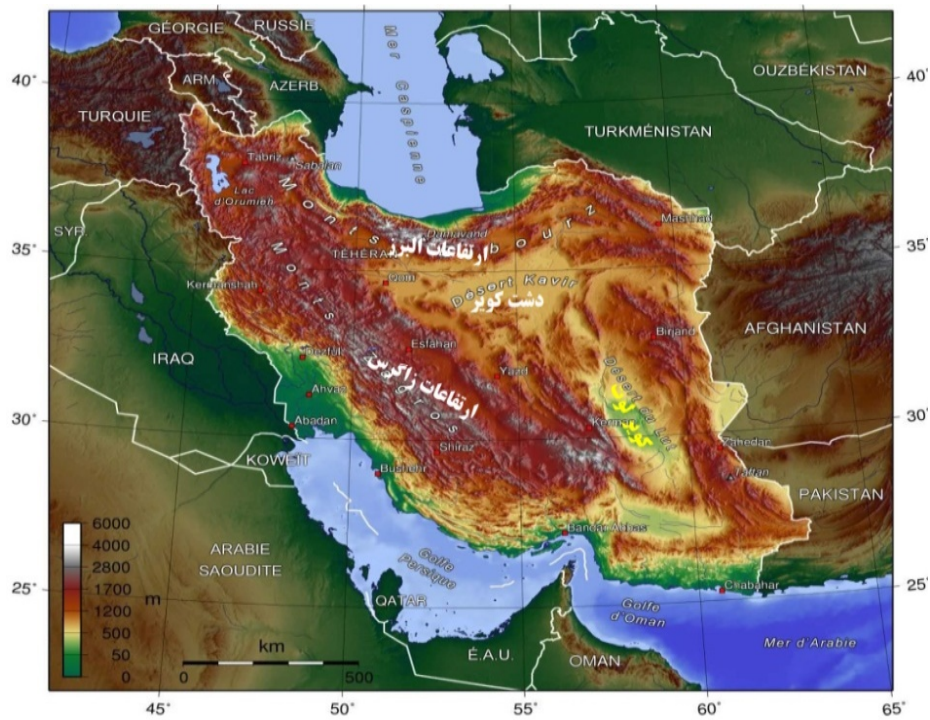
3-3-1-3- شکل هندسی کشور

شکل هر کشوری تابع وسعت آن است. شکل سرزمین از دو نظر اهمیت دارد: یکی فاصله‌ای است که میان دورترین نقاط پیرامون مرکز جغرافیایی وجود دارد و دیگری مشکلاتی که از این نظر ممکن است در امور داخلی کشور یا در روابط با همسایگان به وجود آید. به عبارتی، شکل فضایی هر حکومت قادر است بر چشم‌انداز وحدت آن کشور اثر گذارد. کشور ایران دارای شکلی شبیه به متوازی‌الاضلاع نامتوازن است؛ نتیجه چنین شکلی این است که ایجاد یک مرکز هندسی که فاصله آن تا تمام نقاط مرزی تقریباً به یک اندازه باشد، ممکن نیست؛ مانند آذربایجان در شمال غرب ایران و سیستان و بلوچستان در منتهی‌الیه جنوب شرق ایران نسبت به هم و نسبت به تهران از سایر استان‌ها دورافتاده‌ترند (میرحیدر و ذکی، 1381: 55-56). بنابراین، این شرایط ایجاب می‌کند که حکومت با نظام غیرمتمرکز اداره شود و نقش نهادهای محلی پررنگ‌تر شود تا دیگر در هر کار کوچکی، استان‌های دورافتاده‌ای مانند سیستان نیازمند مرکز سیاسی کشور نباشد.

3-3-1-4- وجود ناهمواری‌ها

میزان وحدت سیاسی و سهولت اداره امور هر دولت تاحدی به وضع ناهمواری آن کشور، و آثار ناهمواری‌ها بر راه‌های حمل‌ونقل و ارتباطات بستگی دارد. موانع طبیعی از قبیل رشته‌کوه‌ها، بیابان‌ها و باتلاق‌ها می‌توانند مانعی جدی در برابر توسعه شبکه‌های ارتباطی حتی در کشورهای کوچک فشرده باشند و فواصل کارکردی را در آنجا به‌طور چشمگیری افزایش دهند. فراتر از آن محیط زیست بر چگونگی توزیع فضایی مردم اثر می‌گذارد. عدم پیوستگی در الگوی سکونت کشورها ممکن است تأثیر واگرایی بسیاری برجای بگذارد. اگرچه امروزه مسئله ناهمواری در مقابل پیشرفت فناوری کشورهای توسعه‌یافته حل شده است، هنوز از این جهت بین کشورها تفاوت وجود دارد (میرحیدر، 1387: 122-123). وجود ناهمواری یکی از

مشکلاتی است که کشور ایران با آن روبه‌روست؛ به طوری که وضع ناهمواری‌های ایران در توسعه ارتباطات مشکلاتی به وجود آورده است؛ مثلاً فلات مرکزی ایران با کوه‌های مرتفع البرز با جهت غربی - شرقی و کوه‌های زاگرس با جهت شمال غربی - جنوب شرقی، و کوه‌های زاگرس با جهت شمال غربی - جنوب شرقی محصور شده است. بیابان‌ها و کویرهای داخلی نیز برای اتصال و ارتباط بین نواحی ساحلی و مرکزی به‌ویژه پایتخت که اغلب روی فلات مرکزی جابه‌جا شده، مانع بزرگی است (میرحیدر، راستی و میراحمدی، 1392: 165). با توجه با اینکه کشور ایران با نظام متمرکز نیز اداره می‌شود، خدمات‌رسانی به تمام نواحی کشور به‌طور یکسان مشکل است؛ بنابراین، تنها راه‌حل آن ایجاد نهادهای محلی و تمرکززدایی است.



شکل 2 نقشه ناهمواری‌های کشور ایران
(منبع: پورتال پایگاه ملی داده‌های علوم زمین)

3-3-1-5- لزوم تهیه طرح‌های توسعه منطقه‌ای مطابق با استعدادها و نیازهای آن منطقه مکان‌ها و نواحی جغرافیایی به منظور اداره بهتر امور، تنظیم افقی و عمودی با سایر نواحی و همچنین استقرار نهادها و سازمان‌ها، به خودگردانی و مدیریت در بعد محلی نیازمندند (حافظنیا و کاویانی‌راد، 1388: 1). اصل اساسی در دولت‌های محلی این است که مردم هر محل با مشارکت و همفکری و درحد امکان با استفاده از منابع و امکانات محلی، به تأمین خدمات عمومی و آبادانی محل در چارچوب قانون اقدام کنند (حافظنیا، ذوقی بارانی و احمدی‌پور، 1388: 148). از یک سو، شرایط محیطی و جغرافیایی در همه استان‌ها و مناطق کشور ایران یکسان نیست و از سوی دیگر، هدف دولت ارجاع صحیح برنامه‌ها در سطح کشور است؛ این اختلاف شرایط مانع و مشکل اجرای برنامه‌های اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور دفاعی است؛ بنابراین، با توجه به توانایی‌ها، استعدادها و نیازهای هر منطقه طرح‌های توسعه مربوط به آن تهیه می‌شود. در این میان، دولت محلی و عدم تمرکز می‌تواند درجهت اجرای صحیح این طرح‌ها و سرعت بخشیدن به آن‌ها از طریق همکاری و هماهنگی لازم بین مناطق استان‌های مختلف اقدام کند و دولت را یاری دهد (طاهری، 1377: 222).

3-3-1-6- استعداد و محدودیت‌های محیطی متفاوت کشور:

تفاوت و تمایز در جهان خلقت واقعیتی بدیهی و انکارناپذیر است. مکان‌ها و نواحی جغرافیایی نیز منعکس‌کننده اصل تفاوت در کره زمین هستند. سیاره زمین از نظر طبیعی، انسانی، عناصر فضایی و سطح توسعه فاقد همگونی است و برپایه یک یا چند شاخصه به اجزای متعدد و متنوعی تقسیم می‌شود که هر جزء ضمن داشتن هویت، ساختار و محدوده مشخص، با سایر اجزا تفاوت دارد (حافظنیا و کاویانی‌راد، 1388: 9). در دولت محلی، امور هر ناحیه با توجه به امکانات، توانمندی‌ها و رعایت پاره‌ای مقتضیات محلی اداره می‌شود که در نتیجه آن، مصرف بودجه مرکزی کاهش می‌یابد (نبوی، 1352: 74). اداره و سازمان‌دهی فضای درونی کشور ایران بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های مکانی و محلی، بی‌توجهی به مطالبات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و

حقوقی افزون‌تر برای مشارکت شهروندی، و داشتن سهم بیشتر در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها به هیچ‌وجه درست نیست و باعث بروز مشکلات و مسائل فراوانی برای دولت می‌شود؛ تا جایی که ممکن است به بروز بحران‌های محلی نیز منجر شود؛ درحالی که دولت می‌تواند با واگذاری بخشی از اختیارها و وظایف خود به نهادهای محلی و مردمی، افزون‌بر افزایش مشارکت شهروندی و دخالت دادن مردم در سرنوشت خویش، از بروز بسیاری از مشکلات و بحران‌های محلی نیز اجتناب کند. همچنین، با توجه به اینکه مردم هر محل از استعدادها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های محل زندگی خود آگاهی بیشتری دارند، برای اداره پهنه سرزمین و محل خود می‌توانند تصمیم‌های بهتری بگیرند. عمومیت یافتن این شیوه مدیریت اداره بهتر و کارآمد سرزمین و کل کشور را در پی خواهد داشت (حافظ‌نیا، پارسائی و حسین پور پویان، 1390: 149).

3-3-1-7- فاصله بین سکونتگاه‌های انسانی و پراکندگی بیش‌ازحد مناطق

عواملی مانند ناهمواری‌ها، تنوع اقلیمی و وسعت باعث ایجاد پراکندگی بین سکونتگاه‌های انسانی و مشکلات ارتباطی می‌شود که یکی از عوامل مهم ایجاد حکومت محلی است. با توجه به وجود ناهمواری‌ها و پراکندگی سکونتگاه‌ها در ایران، دولت مرکزی نمی‌تواند هم‌زمان همه کشور را اداره کند و خدمات برساند؛ بنابراین، به ایجاد نهادهای محلی نیاز دارد که متناسب با هر منطقه درمورد آن تصمیم‌گیری شود (اعظمی و دبیری، 1390: 151). از سوی دیگر، فاصله دور بین سکونتگاه‌های انسانی (شهر و روستا) به عنوان یکی از عوامل مؤثر در آرایش فضای جغرافیای کشور نقش بی‌بدیلی را در محلی‌گرایی و ناحیه‌گرایی منفی ایفا می‌کند و متعاقب آن، در ایجاد وحدت و هم‌بستگی تأثیرات منفی خواهد گذاشت و یکپارچگی را در تضاد و کشمکش قرار خواهد داد. نگاهی به استان‌های جنوب شرقی کشور مؤید این مطلب است (میرحیدر و ذکی، 1381: 54).

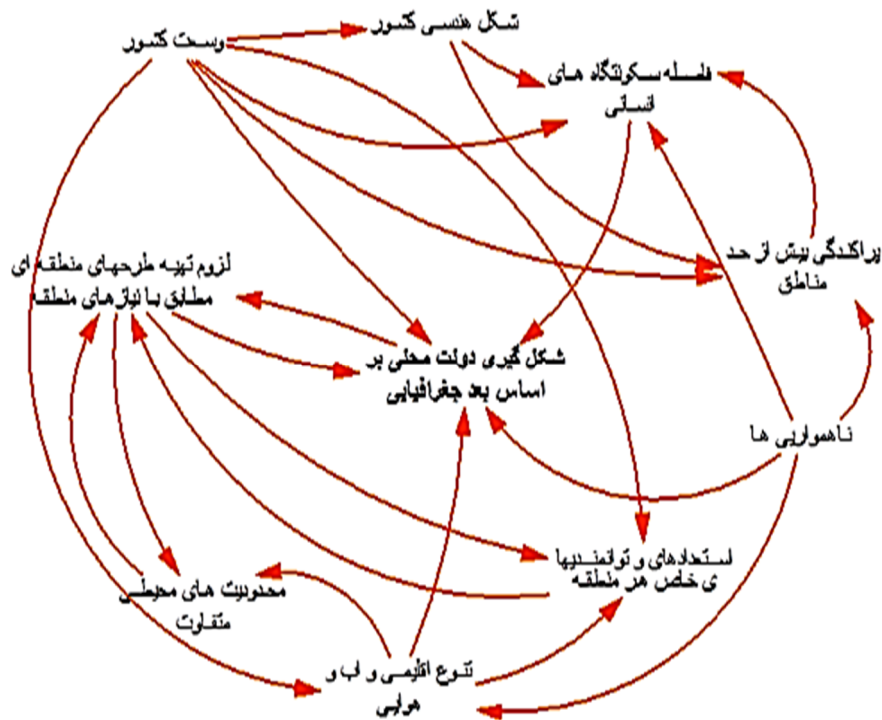
3-4- تفکر سیستمی

تفکر سیستمی روشی برای کمک به افراد جهت مشاهده دنیا از چشم اندازی وسیع تر است که شامل ساختارها، الگوها و وقایع است و فقط به مشاهده وقایع بسنده نمی کند (مرعشی، بلیغ و غیاث آبادی، 1388: 88). برتالنفی، بینان گذار تفکر سیستمی، سیستم را چنین تعریف می کند: سیستم موجودیتی است که حیات آن از طریق روابط متقابل میان اجزا امکان پذیر است (همان، 89). امروزه، تفکر سیستمی یه روش بسیار قوی برای مواجهه با موضوعات بسیار پیچیده تبدیل شده است. این روش با مدل کردن سیستم و نشان دادن اجزای آن به صورت کامل، از پیچیدگی مسئله می کاهد و به برنامه ریز کمک می کند که به مسئله اشراف کامل بیابد (Flett, 2001). تفکر سیستمی ابزاری است برای کاهش ناکارآمدی ها و ارتقای کارآمدها در اداره جامعه و سازمانها (مرعشی، بلیغ و غیاث آبادی، 1388: 89). سه فعالیت مهم و مرتبط با تفکر سیستمی عبارتند از: الف. تمرکز اصلی بر ارتباطات بین اجزا باشد. ب. الگوها نیز بررسی شود و فقط وقایع در نظر گرفته نشود. ج. بازخوردها در سیستم نمایش داده شود تا سیستم از حالت استاتیک به حالت دینامیک تبدیل شود (Balle, 1994). تفکر سیستمی در پی یافتن پاسخ این مسئله است که چگونه ساختار در رفتار تأثیر می گذارد و به این نتیجه می رسد که ارتباطات داخلی در سیستم باعث می شود ساختاری به وجود آید که در نتیجه آن، کل سیستم از خود رفتاری منطبق با این ارتباطات بروز دهد (Senge, 1990). تفکر سیستمی یکی از ابزارهای مناسب برای مدیران جامعه است تا آگاهانه تر و بهتر در مورد مشکلات تصمیم گیری کنند و همچنین، تفکر سیستمی بر سرعت عملکرد فردی و سازمانی اثر می گذارد (مرعشی، بلیغ و غیاث آبادی، 1388: 89).

3-5- سیستم جغرافیایی

دولت های محلی باید متناسب با محیط جغرافیایی به وجود آیند. مؤلفه هایی که رفتارهای متفاوت را با توجه به مکان جغرافیایی می طلبد و برای تقسیم کشور در قالب دولت محلی مؤثر است، عبارتند از: مرزهای طبیعی، موقعیت استراتژیک، منابع محلی و هماهنگی

عوامل محیطی باعث ایجاد محیط مطلوب برای رشد و توسعه خودگردانی محلی می‌شود (مقیمی، 1390: 119). همان‌طور که در شکل شماره سه دیده می‌شود، عوامل سیستم جغرافیایی با یکدیگر روابط متقابل دارند: بر هم اثر می‌گذارند و از یکدیگر اثر می‌پذیرند و چرخه سیستم را از حالت استاتیک به حالت دینامیک تبدیل می‌کنند؛ مثلاً عامل محدودیت‌ها و استعدادهای متفاوت محیطی هر منطقه باعث لزوم تهیه طرح‌های منطقه‌ای مطابق با نیازها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های آن منطقه می‌شود که این امر به صورت مستقیم در فرایند شکل‌گیری دولت محلی تأثیرگذار است. با شکل‌گیری دولت محلی، طرح‌های توسعه منطقه‌ای مطابق با نیازها، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های هر منطقه انجام می‌گیرد که ضامن رضایت مردم و رفع نیازهای آن‌ها در هر منطقه و توجه به توانمندی‌های هر محیط می‌شود و در نهایت، اداره امور با سهولت بیشتری انجام می‌شود. چنانچه به نیازها و ظرفیت‌های متفاوت هر محیط بی‌توجهی شود و طرح‌های توسعه در هر منطقه متناسب با آنجا اجرا نشود، این طرح‌ها با وجود هزینه‌های هنگفتی که صرف آن‌ها شده، با شکست مواجه می‌شود؛ همچنین برآورده نکردن نیازهای مردم در هر منطقه نارضایتی مردم را به همراه دارد و پتانسیل‌های محیطی نیز بدون استفاده رها می‌شوند؛ در نتیجه، شکل‌گیری دولت محلی با مشکل روبه‌رو می‌شود و اداره امور کشور برای حکومت مرکزی سخت و طاقت‌فرسا خواهد شد. شایان ذکر است هرچه اثرپذیری و اثرگذاری هر عنصر در سیستم بیشتر باشد، آن عنصر را می‌توان به صورت بحرانی و مهم‌تر در سیستم در نظر گرفت؛ بنابراین، تغییر در این عنصر در کل سیستم اثر می‌گذارد. عناصر استعدادهای و محدودیت‌های محیطی هر منطقه، تهیه طرح‌های توسعه‌ای مطابق با نیازها و ظرفیت‌های هر محیط و وسعت جزء عناصر بحرانی در این سیستم‌اند؛ زیرا بیشترین تأثیر و تأثر را در مقایسه با عناصر دیگر دارند.



شکل 3 دیاگرام زیرسیستم جغرافیایی در ارتباط با شکل گیری دولت محلی (منبع: نگارندگان)

4- روش شناسی

در تحقیق حاضر بر ارزیابی نقش عوامل جغرافیایی در شکل گیری دولت محلی در ایران با استفاده از تفکر سیستمی تأکید می شود. این پژوهش از نظر نتیجه، کاربردی و از نظر هدف، اکتشافی است. تفکر سیستمی شامل سه مرحله: شناسایی عوامل تشکیل دهنده سیستم، شناسایی روابط بین متغیرها و در نهایت تطبیق سیستم با زمینه مورد مطالعه است (Balle, 1994). در این پژوهش، نخست عوامل مؤثر در شکل گیری دولت محلی به طور کلی و با تأکید بر ایران در بعد جغرافیایی شناسایی شده؛ بنابراین، ابتدا با مطالعات کتابخانه ای عوامل مؤثر بر آن براساس مبانی نظری تعیین شده است. در مرحله بعد که شناسایی روابط بین متغیرهاست، ارتباط این عوامل با ضرورت شکل گیری دولت محلی به صورت کلی در جهان و به صورت خاص در ایران بررسی شده؛ بدین منظور، در انتهای مبانی نظری مدلی مفهومی ترسیم شده است که روابط علی و معلولی را نشان می دهد و در نهایت، به تطبیق سیستم

با زمینه مورد مطالعه پرداخته شده؛ به همین منظور از مطالعات کمی و کیفی پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده شده است. در روش کمی، نمونه شامل چهل نفر از کارشناسان خبره مرتبط با موضوع دولت محلی بوده و پرسش‌نامه محقق‌ساخته که بر مبنای طیف لیکرت از 1 (خیلی کم) تا 5 (خیلی زیاد) درجه‌بندی شده، به کار رفته است. پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ تعیین، و ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش 0/8 محاسبه شد؛ بنابراین، پایایی پرسش‌نامه مطلوب ارزیابی شده است. روایی آن نیز با قضاوت کارشناسان و همچنین پوشش کامل مبنای نظری تأیید شده است. در تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS استفاده شده و آزمون‌های استنباطی نظیر t-test و فریدمن به کار رفته است. همچنین، برای جمع‌آوری اطلاعات کیفی از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با نظر کارشناسان استفاده شد. این مصاحبه‌ها با صاحب‌نظران در حوزه دولت محلی به روش گلوله‌برفی انجام شده و اطلاعات به دست آمده از آن نیز بر مبنای آنالیز موضوعی و کدبندی تحلیل شده است. نتیجه این مرحله در جهت تکمیل نتایج پرسش‌نامه و همچنین تحلیل چالش‌ها و ارزیابی عوامل مؤثر در شکل‌گیری دولت محلی در ایران بود که در نهایت، یافته‌ها بر مبنای تفکر سیستمی و از طریق برنامه‌نویسی (Vensim) مورد بررسی قرار گرفت.

4-1- سؤالات تحقیق

1. چه عواملی در زمینه جغرافیایی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران مؤثرند؟
2. اولویت‌بندی عوامل مؤثر جغرافیایی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران از دیدگاه صاحب‌نظران و اندیشمندان دولت محلی چگونه است؟
3. چگونه عوامل مؤثر جغرافیایی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران در قالب تفکر سیستمی قابل بررسی است و خروجی آن چه خواهد بود؟

5- یافته‌های تحقیق

5-1- آمار توصیفی (پاسخ افراد به گویه‌های پرسش‌نامه تحقیق)

با توجه به میانگین و درصد فراوانی‌های مربوط به بعد جغرافیایی (ر.ک: جدول 2) می‌توان نتیجه گرفت وسعت کشور، استعدادها و توانمندی‌های محیطی متفاوت، و محدودیت‌های

نرگس حجی پناه و همکاران _____ تحلیل سیستمی نقش عوامل جغرافیایی در ...

طبیعی و محیطی مختلف کشور بیشترین تأثیر را در بعد جغرافیایی در شکل‌گیری دولت محلی دارند.

جدول 2 فراوانی و درصد پاسخ افراد به سؤالات بعد جغرافیایی

بعد دوم: جغرافیایی								
ردیف	میزان تأثیر بعد مربوط گویه	نیاز پاسخی	زیاد	متوسط	کم	جایی کم	میانگین	انحراف معماری
1	میزان وسعت کشور	فراوانی	14	20	5	1	0	0/74
		درصد فراوانی	35	50	12/5	2/5	0/00	4/17
2	وجود ناهمواری‌ها	فراوانی	6	14	12	7	1	1/03
		درصد فراوانی	15	35	30	17/5	2/5	3/42
3	میزان تنوع اقلیمی و آب و هوایی	فراوانی	2	16	13	7	2	0/97
		درصد فراوانی	5	40	32/5	17/5	5	3/22
4	میزان فاصله بین سکونتگاه‌های انسانی	فراوانی	5	20	13	2	0	0/75
		درصد فراوانی	12/5	50	32/5	5	0/00	3/70
5	میزان پراکندگی بین مناطق کشور	فراوانی	6	21	9	4	0	0/84
		درصد فراوانی	15	52/5	22/5	10	0/00	3/72
6	وجود استعداد و توانمندی‌های محیطی متفاوت کشور	فراوانی	10	23	6	1	0	0/71
		درصد فراوانی	25	57/5	15	2/5	0/00	4/05
7	محدودیت‌های طبیعی و محیطی متفاوت کشور	فراوانی	7	20	11	1	1	0/86
		درصد فراوانی	17/5	50	27/5	2/5	2/5	3/77
8	شکل هندسی کشور	فراوانی	6	15	12	6	1	1/01
		درصد فراوانی	15	37/5	30	15	2/5	3/47
9	تهیه طرح‌های توسعه منطقه‌ای با توجه به نیازهای آن منطقه	فراوانی	6	24	6	1	3	1/01
		درصد فراوانی	15	60	15	2/5	7/5	3/72
میانگین کلی: 3/69								

(منبع: نگارندگان، 1393)

5-2- ارزیابی میزان تأثیر بعد جغرافیایی

در آزمون t تک‌نمونه، فرض صفر مبتنی بر تأثیر کم هر بعد در شکل‌گیری دولت محلی در ایران و فرض بدیل H1 نیز ادعای آزمون است که در صورت تأیید، نشان‌دهنده تأثیر زیاد بعد مورد مطالعه در شکل‌گیری دولت محلی است.

$$H_0: \mu \leq 3$$

$$H_1: \mu > 3$$

چون داده‌ها با طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای گردآوری شده‌اند، میانگین عدد سه یعنی نقطه وسط طیف لیکرت در نظر گرفته شده است. همچنین، این مطالعه در سطح اطمینان 95 درصد بررسی شده است. چنانچه در محاسبه میانگین هر بعد، آماره آزمون (مقدار معناداری) از مقدار بحرانی (سطح خطا = 5) کوچک‌تر باشد، فرض صفر رد می‌شود؛ بنابراین، ادعای آزمون تأیید خواهد شد.

برای بررسی عوامل جغرافیایی مؤثر بر شکل‌گیری دولت محلی، گویه مطرح شده است. نتایج آزمون t تک‌نمونه برای بررسی بعد جغرافیایی در جدول شماره سه آمده است. براساس نتایج این آزمون، میانگین دیدگاه پاسخ‌دهندگان در زمینه بعد جغرافیایی 3/697 به‌دست آمده که بزرگ‌تر از حد وسط لیکرت است و مقدار معناداری نیز 0/000 حاصل شده که کوچک‌تر از سطح خطای 5 درصد است؛ بنابراین، مقدار میانگین مشاهده‌شده معنادار است. به‌استناد هر یک از این یافته‌های آماری با اطمینان 95 درصد می‌توان گفت: بعد جغرافیایی یکی از ابعاد مؤثر در شکل‌گیری دولت محلی در ایران است.

جدول 3 نتایج آزمون t تک‌نمونه برای بعد جغرافیایی

بعد مورد نظر	میانگین	مقدار t	مقدار معناداری	فاصله اطمینان 95 درصد	
				حد پایین	حد بالا
بعد جغرافیایی	3/697	8/33	0/000	0/528	0/866

(منبع: نگارندگان، 1393)

نتایج t تک‌نمونه برای هرکدام از گویه‌های بعد جغرافیایی در جدول چهار آمده است. براساس نتایج، تمام گویه‌های مربوط به بعد جغرافیایی نیز به صورت معناداری از میانگین بالاتر هستند؛ پس تأثیر زیاد هریک از آن‌ها اثبات می‌شود.

جدول 4 نتایج آزمون t تک‌نمونه برای هریک از گویه‌های بعد جغرافیایی

عوامل جغرافیایی	میانگین	مقدار t	مقدار معناداری	فاصله اطمینان 95 درصد	
				حد بالا	حد پایین
میزان وسعت کشور	4/17	9/94	0/000	0/936	1/414
وجود ناهمواری‌ها	3/42	2/59	0/013	0/094	0/756
میزان تنوع اقلیمی و آب‌وهوایی	3/22	1/46	0/152	-0/086	0/536
میزان فاصله بین سکونتگاه‌های انسانی	3/70	5/84	0/000	0/457	0/942
میزان پراکندگی بین مناطق کشور	3/72	5/41	0/000	0/454	0/995
وجود استعداد و توانمندی‌های محیطی متفاوت کشور	4/05	9/29	0/000	0/821	1/278
محدودیت‌های طبیعی و محیطی متفاوت کشور	3/77	5/68	0/000	0/499	1/050
شکل هندسی کشور	3/47	2/96	0/005	0/151	0/798
تهیه طرح‌های توسعه منطقه‌ای با توجه به نیازهای آن منطقه	3/72	4/52	0/000	0/401	1/048

(منبع: نگارندگان، 1393)

5-3- رتبه‌بندی میزان تأثیر عوامل مربوط به بعد جغرافیایی

همان‌طور که در جدول شماره شش دیده می‌شود، نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی هریک از گویه‌های بعد جغرافیایی برای شکل‌گیری دولت محلی به ترتیب اولویت بیان شده است که با توجه به رتبه میانگین هریک از گویه‌های این بعد می‌توان نتیجه گرفت به ترتیب اولویت، میزان وسعت کشور، استعداد و توانمندی‌های محیطی متفاوت کشور، و محدودیت‌های طبیعی و محیطی متفاوت کشور بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری دولت محلی دارند. در جدول شماره شش به ترتیب اولویت سایر گویه‌ها نیز مشخص شده است.

جدول 5 نتایج آزمون فریدمن برای بررسی بعد جغرافیایی

Sig (سطح معناداری)	Df (درجه آزادی)	Chi-square	N
0/000	8	48/96	40

(منبع: نگارندگان، 1393)

جدول 6 رتبه هریک از گویه‌های بعد جغرافیایی با استفاده آزمون فریدمن

رتبه میانگین	متغیرها	الویت‌ها
6/56	وسعت کشور	1
6/13	استعداد و توانمندی‌های محیطی متفاوت کشور	2
5/20	محدودیت‌های طبیعی و محیطی متفاوت کشور	3
5/14	پراکندگی بین مناطق کشور	4
5/04	لزوم تهیه طرح‌های توسعه منطقه‌ای با توجه به نیازهای آن منطقه	5
4/86	فاصله بین سکونتگاه‌های انسانی	6
4/18	شکل هندسی کشور	7
4/14	وجود ناهمواری‌ها	8
3/76	تنوع اقلیمی و آب‌وهوایی	9

(منبع: نگارندگان، 1393)

5-4- مشخصات مصاحبه‌شوندگان همراه با آنالیز موضوعی مصاحبه

در این مرحله، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با تعدادی از صاحب‌نظران و اندیشمندان بحث دولت محلی انجام گرفت و از آن‌ها خواسته شد نظر خود را درباره سیستم جغرافیایی با توجه به پرسش‌های مطرح‌شده بیان کنند و محقق را در طراحی سیستم اصلی یاری دهند. مشخصات مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره هفت موجود است.

جدول 7 مشخصات و مدت‌زمان مصاحبه‌شوندگان

مدت مصاحبه	سابقه فعالیت	نام سازمان	سمت	کد مصاحبه‌شوندگان
45 دقیقه	15 سال	دانشگاه فردوسی مشهد	عضو هیئت علمی	#1
20 دقیقه	12 سال	دانشگاه فردوسی مشهد	عضو هیئت علمی	#2
30 دقیقه	4 سال	دانشگاه فردوسی مشهد	عضو هیئت علمی	#3
30 دقیقه	38 سال	دانشگاه فردوسی مشهد	عضو هیئت علمی	#4
25 دقیقه	9 سال	دانشگاه فردوسی مشهد	عضو هیئت علمی	#5
60 دقیقه	2 سال	دانشگاه فردوسی مشهد	دکتری	#6
20 دقیقه	10 سال	دانشگاه فردوسی مشهد	عضو هیئت علمی	#7
مجموع: 230 دقیقه				

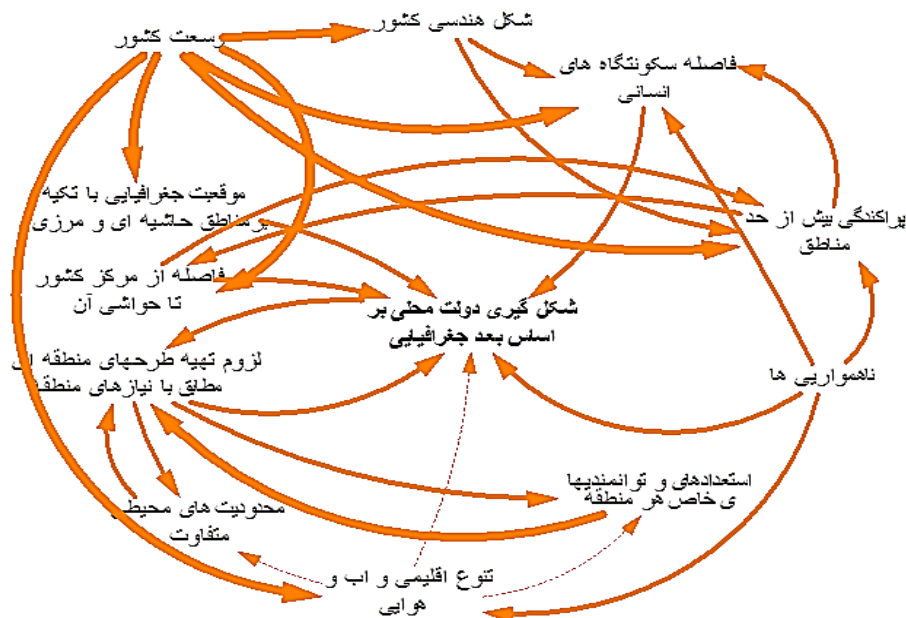
(منبع: نگارندگان، 1393)

مصاحبه‌های صورت‌گرفته مطابق بخش کمی حول چهار موضوع انجام شد. از مصاحبه‌شوندگان درباره وضعیت کنونی بعد جغرافیایی برای شکل‌گیری دولت محلی در ایران با توجه به عوامل این بعد و درجه تأثیر هرکدام سؤال شد و درنهایت، از آن‌ها خواسته شد تا راهکارهایی جهت شکل‌گیری بهتر دولت محلی در ایران برای تقویت زیرسیستم جغرافیایی ارائه دهند. به‌طور کلی، وضعیت موجود این بعد در ایران به‌منظور شکل‌گیری دولت محلی، مطلوب و میزان تأثیر آن جهت شکل‌گیری دولت محلی، متوسط ارزیابی شد. با توجه به

مطالعات بخش کمی و کیفی تحقیق می‌توان به این نتیجه رسید که عواملی مانند وسعت کشور، استعداد و توانمندی‌های محیطی متفاوت کشور، پراکندگی بین مناطق و فاصله جغرافیایی مهم هستند و برای شکل‌گیری دولت محلی در اولویت قرار دارند؛ به طوری که در نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان، عامل استعدادها و توانمندی‌های محیطی متفاوت در هر منطقه و برنامه‌ریزی متناسب با این توانمندی‌ها برای آن منطقه یکی از مؤثرترین عوامل در شکل‌گیری دولت محلی است که می‌تواند بازده خیلی خوبی داشته باشد. همچنین، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید توجه به امکانات و توانمندی‌های هر منطقه در کاهش و تعدیل هزینه‌های دولت مرکزی خیلی مؤثر است که شرط اساسی آن شکل‌گیری دولت محلی است. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد این عامل می‌گوید: عامل وسعت مهم است؛ ولی همراه با میزان پیشرفت و فناوری در کشور معنادار می‌شود؛ به طوری که وقتی کشور از نظر فناوری پیشرفته باشد، می‌تواند به راحتی با سراسر سرزمینش در ارتباط باشد (مانند ژاپن)؛ ولی کشوری که از نظر فناوری ضعیف است و امکان ارتباط هم‌زمان با سایر مناطق را ندارد، وسعت در آن معنادار است و لزوم شکل‌گیری دولت محلی برای اداره بهتر سرزمین احساس می‌شود. درباره این بعد اغلب مصاحبه‌شوندگان اولویت اول در شکل‌گیری دولت محلی در ایران را توجه به توانمندی‌ها و استعدادهای هر منطقه و بعد از آن عامل وسعت می‌دانند. آن‌ها همگی معتقد بودند که اگر به توانمندی‌ها و استعدادهای هر منطقه توجه شود و با توجه به این استعدادهای توانمندی‌های هر محیط برنامه‌ریزی شود و طرح‌های توسعه منطقه‌ای انجام شود، بازده خیلی خوبی خواهد داشت. به توجه به نتایج به دست آمده از مطالعات بخش کمی و کیفی تحقیق می‌توان گفت به طور کلی پاسخ‌گویان تأثیر بعد جغرافیایی را در شکل‌گیری دولت محلی در ایران متوسط اعلام کرده‌اند.

5-5- طراحی مدل نهایی زیرسیستم جغرافیایی

با توجه به مطالب ذکر شده، این زیرسیستم دارای نه عامل حیاتی است که در شکل چهار ذکر شده است. با توجه به نتایج در مقایسه با تحلیل داده‌های کمی و کیفی، برخی از این عوامل در ایران از اهمیت و اولویت بیشتری در مقایسه با دیگر عوامل برخوردارند که در این شکل با ضخامت متفاوت و بیشتری نشان داده شده‌اند.



شکل 4 دیاگرام سیستم جغرافیایی براساس شرایط کشور ایران (منبع: نگارندگان، 1393)

این عوامل عبارت‌اند از: وسعت کشور، استعداد و توانمندی‌های محیطی متفاوت کشور، پراکنندگی بین مناطق و فاصله جغرافیایی. این عوامل هم بر عوامل دیگر اثر می‌گذارند و هم از سایر عوامل اثر می‌پذیرند؛ مانند عامل استعدادها و توانمندی‌های خاص هر منطقه که بر لزوم تهیه طرح‌های توسعه مطابق با استعدادها و نیازهای هر منطقه اثرگذار است و از آن اثر می‌پذیرد که با یکدیگر یک لوپ یا چرخه را شکل می‌دهند که عامل لزوم تهیه طرح‌های توسعه منطقه‌ای یکی از عوامل اثرگذار در شکل‌گیری دولت محلی است. درباره عامل وسعت می‌توان گفت این عامل در شکل هندسی کشور و همچنین در عامل فاصله از مرکز تا پیرامون اثرگذار است که عامل فاصله از مرکز تا پیرامون می‌تواند به‌طور مستقیم در شکل‌گیری دولت محلی اثر بگذارد. در نهایت، برای عامل پراکنندگی بیش از حد مناطق از یکدیگر می‌توان گفت که این عامل در فاصله سکونتگاه‌ها از یکدیگر و همچنین در عامل فاصله مرکز و پیرامون از یکدیگر اثرگذار است که خود عامل فاصله از مرکز تا پیرامون نیز به‌صورت مستقیم در

شکل‌گیری دولت محلی تأثیر دارد. همچنین، برخی از عوامل در زیرسیستم وجود دارند که اهمیت آن‌ها در شکل‌گیری دولت محلی در ایران متوسط است که در شکل با ضخامت متوسط، و عواملی که اهمیت آن‌ها کمتر است با ضخامت کم نشان داده شده‌اند.

6- نتیجه

فرایند سازمان‌دهی سیاسی فضا بحثی تخصصی در جغرافیای سیاسی است. هدف از انجام این فرایند، اداره بهتر سرزمین و قلمرو و عرضه خدمات بهتر و بیشتر به شهروندان است. این امر نوعی تمرکززدایی در اداره امور است که باعث افزایش توسعه انسانی و عامل برابری و تحقق عدالت اجتماعی - سیاسی می‌شود. در این مقاله، سعی بر شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر جغرافیایی و بررسی ارتباط آن‌ها با یکدیگر به منظور روشن کردن میزان تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری دولت محلی در ایران و مدل‌سازی این عوامل در قالب تفکر سیستمی بوده است. با مطالعه مبانی نظری موضوع عوامل وسعت، تنوع آب‌وهوایی و اقلیمی، فاصله بین سکونتگاه‌های انسانی، پراکندگی بیش‌ازحد مناطق، وجود ناهمواری‌ها، شکل هندسی کشور، محدودیت طبیعی و محیطی متفاوت، لزوم تهیه طرح‌های توسعه منطقه‌ای مطابق با استعدادها و نیازهای آن منطقه، و استعداد و توانمندی‌های محیطی متفاوت کشور استخراج شد. نتایج مصاحبه‌ها عوامل دیگری را به عوامل مؤثر اضافه کرد: فاصله از مرکز کشور تا حواشی آن، و موقعیت جغرافیایی با تکیه بر مناطق حاشیه‌ای و مرزی. با توجه به نتایج آزمون t تک‌نمونه - که میزان تأثیر بعد جغرافیایی در شکل‌گیری دولت محلی سنجیده شد - می‌توان گفت نتایج میانگین (3/69) بزرگ‌تر از حد وسط لیکرت، و مقدار معناداری نیز (0/000) کوچک‌تر از سطح خطای 5 درصد است؛ بنابراین می‌توان با اطمینان 95 درصد گفت که بعد جغرافیایی یکی از ابعاد مؤثر در شکل‌گیری دولت محلی در ایران است. درمورد اولویت‌بندی عوامل مؤثر این بعد، در آزمون فریدمن هر یک از گویه‌های بعد جغرافیایی برای شکل‌گیری دولت محلی به این ترتیب اولویت‌بندی و رتبه‌بندی شده‌اند: میزان وسعت کشور، استعدادها و توانمندی‌های محیطی متفاوت کشور، محدودیت‌های محیطی متفاوت کشور، پراکندگی بین مناطق کشور و لزوم تهیه طرح‌های توسعه منطقه‌ای با توجه به نیازها و توانمندی‌های آن منطقه. اولویت‌بندی

سایر گویه‌ها نیز در جدول شماره پنج آمده است. در مورد به‌کارگیری روش تفکر سیستمی نیز می‌توان گفت بعد از شناسایی عوامل مؤثر و تأیید ارتباط آن‌ها با شکل‌گیری دولت محلی، این عوامل در قالب تفکر سیستمی با استفاده از نرم‌افزار Vensim الگوسازی شدند. بدون این الگوسازی تأثیر عوامل را نمی‌توان بررسی کرد و با کمک الگوی طراحی شده می‌توان مشخص کرد که برای حل چالش‌های موجود چه عواملی باید بررسی شود. در مجموع، تمام عوامل ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و به‌صورت دوسویه یا چندسویه در حال تقویت یکدیگرند. این سیستم به‌صورت پویا تمام عوامل مؤثر جغرافیایی در شکل‌گیری دولت محلی را شناسایی می‌کند تا شکل‌گیری دولت محلی از بعد جغرافیایی آسان‌تر صورت گیرد (شکل 2). نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به اهمیت یافتن بحث دولت محلی به‌عنوان راهکاری برای مقابله با مشکلات پیچیده دنیای کنونی به‌ویژه برای کشورهای متمرکزی مانند ایران، بحث تفکر سیستمی ابزاری مناسب و روشی کارآمد برای مباحث مدیریتی به‌ویژه در بحث شکل‌گیری و مدیریت دولت محلی است. پورموسوی و همکاران (1387) پیشنهاد می‌کنند که برای توسعه و پیشرفت متوازن همه نواحی کشور و حداکثر استفاده از توان‌های انسانی، باید به سازمان‌دهی مجدد فضای سیاسی با نگرش سیستمی توجه کرد. به عقیده مقیمی (1382)، برای شناخت و تحلیل موضوعات مدیریتی به‌ویژه مدیریت حکومت‌های محلی، بدون شک نگرش سیستمی بهترین و کارآمدترین رویکرد است. قالیباف نیز بر اهمیت و ضرورت شکل‌گیری دولت محلی در ایران تأکید کرده است. تمام این تحقیقات همسو با نتایج تحقیق حاضر هستند.

7- قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه تحصیلی با عنوان *ارزیابی عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری دولت محلی با نگرش سیستمی (مطالعه موردی: کشور ایران)* است که در رشته جغرافیای سیاسی در دانشگاه فردوسی تدوین شده است. نگارندگان وظیفه خود می‌دانند از حمایت‌های مادی و معنوی دانشگاه فردوسی در این زمینه قدردانی کند.

8- منابع

- اطاعت، جواد و زهرا موسوی، *تمرکز زدایی و توسعه پایدار در ایران*، تهران: انتخاب، 1390.

- اعظمی، هادی و علی‌اکبر دبیری، «تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران»، فصلنامه ژئوپلتیک، س 7، ش 2، صص 147-181، 1390.
- پورموسوی، سیدموسی، مهدی میرزاده کوهشاهی، و خانبنگلو رهنماقره، «سازمان‌دهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران»، فصلنامه ژئوپلتیک، س 4، ش 3، صص 75-101، 1387.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و مرزا کاویانی‌راد، *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران: سمت، 1388.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، اسماعیل پارسائی و رضا حسین‌پورپویان، «بررسی تطبیقی تأثیر نهادهای محلی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بر مشارکت شهروندی (مطالعه موردی خانه انصاف و شوراهای حل اختلاف)»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ش 77، صص 145-164، 1390.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، کاظم ذوقی بارانی و زهرا احمدی‌پور، «بررسی تأثیر الگوی دوگانه مدیریت سیاسی فضا بر کارکردهای مناطق آزاد: مطالعه موردی کیش»، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، د. 15، ش 1، 1388.
- حبیب‌نژاد، سیداحمد، «بررسی حقوقی شوراهای اسلامی شهر در پرتو اصول تمرکز زدایی»، فصلنامه حقوق اسلامی، س 5، ش 20، 1388.
- سامتی، مرتضی، محسن رنانی و مژگان معلمی، «تمرکززدایی و منافع تشکیل دولت‌های محلی از منظر افزایش کارایی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش 78، صص 123-151، 1386.
- طاهری، ابوالقاسم، *اداره امور سازمان‌های محلی (رشته مدیریت)*، دانشگاه پیام نور، 1373.
- طاهری، ابوالقاسم، *اداره امور شهرداری‌ها*، تهران: قومس، 1377.
- علیجانی، بهلول، *آب‌وهوای ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، 1374.
- قالیباف، محمداقبر و محمدجواد شوشتری، «تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت شهروندان در حکومت محلی مطالعه موردی تهران»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، د. 45، ش 2، 1392.
- قالیباف، محمداقبر، حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، تهران: امیرکبیر، 1387.

- قالیباف، محمدباقر، بررسی تحلیلی سیر تکوین نهادهای محلی ایران در دوران معاصر و ارائه الگوی مناسب، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، 1380.
- مرعشی، سیدجعفر، وحیده بلیغ و علی غیاث‌آبادی، تفکر سیستمی و ارزیابی کارآمدی آن در اداره جامعه و سازمان، چ 2، نشر سازمان مدیریت صنعتی، 1388.
- معلمی، مژگان، «تمرکززدایی و شکست در تدارک کالاهای عمومی ملی توسط دولت‌های محلی: با استفاده از رهیافت تئوری بازی‌ها»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش 91، 1389.
- مقیمی، سیدمحمد، اداره امور حکومت‌های محلی و مدیریت شوراهای شهرداری‌ها، تهران: سمت، 1390.
- میرحیدر، دره و قربانعلی ذکی، «بررسی نظام جغرافیایی - سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش 42، صص 49-64، 1381.
- میرحیدر، دره، عمران راستی و فاطمه‌سادات میراحمد، مبانی جغرافیای سیاسی، با تجدید نظر اساسی، تهران: سمت، 1392.
- میرحیدر، دره، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: سمت، 1387.
- نبوی، مصطفی، تمرکز و عدم تمرکز اداری و سیاسی در ایران، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، 1352.
- ویسی، هادی، درآمدی بر دولت محلی، تهران: سمت، 1392.
- Veisi, H., *An introduction to local government*, Tehran: SAMT, 2014. [in Persian]
- Alijani, B., *climate of iran*, Tehran: Payame Noor University Publications, 1995. [in Persian]
- Etaat, J. & Z. Moosavi, *Decentralization and sustainable development in Iran*, Entekhab Publication, 2011. [in Persian]
- Azami, H. & A. Dabiri, "Analysis of the political division of space in Iran", *Journal of Geopolitics*, 2, pp. 147-181, 2011 [in Persian]
- Poormoosavi, S.M., M. Mirzadeh Koohshahi & Kh. Rahnemaghareh, "The political organization of space and cultural functional areas in Iran", *Journal of geopolitics*, 4 (3), pp. 75-101, 2008. [in Persian]

- Hafeznia, M.R. & M. Kavianirad, *New Horizons in Geopolitics*, Tehran: SAMT 2009. [in Persian]
- Hafeznia, M.R., E. Parsaei & R. Hossein Varppoyan, "A comparative analysis of the effects of local institutions on citizen participation before and after Islamic revolution: A case study of trade unions and dispute resolution councils", *Journal of Human Geography*, 7. pp.145- 164, 2011. [in Persian]
- Hafeznia, M.R., K. Zoghi barani & Z. Ahmadipoor, " Analysis of the effects of the dual model of political management of space on the functions of free zones: A case study of Kish", *Journal of Planning and Space Preparation*, 15 (2), 2009. [in Persian]
- Habib Njad, A., "legal review of city councils in the light of the principles of decentralization", *Journal of Islamic Law Issue* 20, 2009 [in Persian].
- Sameti, M., M. Ranani & M. Moalemi, "Decentralization and the benefits of forming local governments based on increasing efficiency", *Journal of Economic Research*, 78, pp. 121-153, 2007. [in Persian].
- Taheri, A., *The management of affairs of local institutions: Management major*, Payam-e-Noor University, 1994. [in Persian]
- Taheri, A., *Municipal administration*, Tehran: Ghomes, 1998. [in Persian]
- Ghalibaf, M.B. & M.J. Shoostari, "The effect of political culture on the participation of people in local governments: A case study of Tehran", *Human Geography Studies*, 2013. [in Persian]
- Ghalibaf, M.B., *Local government or the spatial distribution of power strategy in Iran*, Tehran: Amirkabir, 2008. [in Persian]
- Ghalibaf, M.B., The analytic investigation of the development trend of local institutions in Iran in the contemporary era and presenting an appropriate model. Unpublished Doctoral Dissertation, Tarbyat Modarres University, Iran, 2001. [in Persian]
- Marashi, J., V. Baligh & A. Ghiasabadi, *systems thinking and evaluation of its effectiveness in managing organization and society*, second edition, Publication of Industrial Management Institute, 2009. [in Persian]

- Moalemi, M., "Decentralization and failure in providing public and local products by local governments: Based on the strategy of game theory", *Journal of Economic research*, 91, 2010. [in Persian]
- Moghimi, S.M., *The management of the affairs of local governments and the management of councils and municipals*, Tehran: SAMT, 2011. [in Persian]
- Mirheydar, D. & Gh. Zaki, "The analysis of geopolitical system of Iran through developing local institutions", *Geographical studies*, 42, pp. 49-64, 2002. [in Persian]
- Mirheydar, D., O. Rasti & F. Mirahmadi, *The Basic themes in political geography*, completely Revised, Tehran: SAMT, 2013. [in Persian]
- Mirheydar, D., *The Basic themes in political geography*, Tehran: SAMT, 2008. [in Persian]
- Nabavi, M., *Centralization and decentralization of politics and administration in Iran*, Ferdowsi University of Mashhad, 1972. [in Persian]
- Balle, M., *Managing with Systems Thinking*, McGraw-Hill, London, 1994.
- Flett, P., *The role of quality in the management of projects*, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Stirling, 2001.
- Gamper, A. & F. Palermo, "Federalism, local government and policy-making", *Federal Governance*, Vol. 8 No. 3, pp. 1-4, 2011.
- Mamedova, Hasanov Hafiz Bashir Oglu, Bairamov Abil Nazir Oglu and Huseinov Mirali Asad, *Local Government in Azerbaijan*, 2006.
- Senge, P.M., *The fifth discipline: The art and practice of the learning organization*, USA: Doubleday, 1990.